حافظ شناسی خرابات مغان

وحیدی، حسین

در شماره‏ی 22 ماهنامه‏ی حافظ در نوشتاری درباره‏ی پیر مغان، بنیاد و ریشه‏ی مغ و مغان روشن گردید.اینک دنباله‏ی جستار مغان و پیر مغان،جستار خرابات و خرابات مغان.بهتر است در آغاز سروده‏هایی از حافظ درباره‏ی خرابات آورده شود:

در خرابات طریقت نیز هم منزل شویم‏ کاین‏چنین رفته است در عهد عزل تقدیر ما ترسم این قوم که بر درد کشان می‏خندند در سر کار خرابات کنند ایمان را در عشق خانقاه و خرابات فرق نیست‏ هرجا که هست پرتو روی حبیب هست‏ تا گبر غمت در دل ویرانه مقیم است‏ همواره مرا کنج خرابات مقام است‏ مقام اصلی ما گوشه‏ی خرابات است‏ خداش خیر دهاد آن‏که این عمارت کرد قدم منه به خرابات جز به شرط ادب‏ که ساکنان درش محرمان پادشهند من ز مسجد به خرابات نه خود افتادم‏ اینم از روز ازل حاصل فرجام افتاد خیز تا خرقه‏ی صوفی به خرابات بریم‏ شطح‏1و طامات‏2به بازار خرابات بریم‏ در خرابات مغان گر گذر افتد بازم‏ حاصل خرقه وسجاده روان در بازم‏ در خرابات مغان نور خدا می‏بینم‏ این عجب بین که چه نوری ز کجا می‏بینم‏ تو خانقاه و خرابات در میانه مبین‏ خدا گواست که هرجا که هست با اویم‏ آن‏کس که منع ما ز خرابات می‏کند او در حضور پیر من این ماجرا بگو شست‏وشویی کن و آن‏گه به خرابات خرام‏ تا نگردد ز تو این دیر خراب آلوده‏ با خرابات نشینان ز کرامات ملاف‏ هر سخن وقتی و هر نکته مکانی دارد یاد باد آن‏که خرابات نشین بودم و مست‏ آن‏چه در مسجدم امروز کم است آن‏جا بود

اینک این جستار به میان می‏آید که در سروده‏های حافظ خرابات و خرابات مغان کجاست و آیا همان‏گونه که در سروده‏های حافظ مغ و پیر مغان‏ ریشه در فرهنگ باستانی ایران دارد.خرابات و خرابات مغان نیز همین‏گونه‏ است؟که پاسخ پرسش،آری‏ست،خرابات و خرابات مغان ریشه در فرهنگ‏ باستانی ایران و ریشه در«آیین مهر»دارد،آیین برخاسته از فرهنگ ایران‏ باستان و برماند آن روزگار،آیینی که حافظ درباره‏ی آن می‏سراید

بر دلم گرد ستم‏هاست خدای مپسند که مکدر شود آیینه‏ی مهر آیینم‏ ز دوستان تو آموخت در طریقتِ مهر سپیده دم به صبا چاک زد شعار سیاه

آیین مهر

یکی از پایه‏های فرهنگ ایران،آیین مهر است.آیینی برخاسته از اندیشه‏های مهر،مهر تاریخی که در سال 272 پیش از میلاد از مادرش ناهید در دامغان امروز زاده شد و بر پایه‏ی کیش زرتشتی آیین مهر را پی‏ریخت که‏ آیین ایرانیان در دوره‏ی اشکانیان بوده و یکی از پایه‏های عرفان ایران است. در این باره دانشمند بزرگ و استادگرانمایه و ارجمند زنده‏یاد دکتر محمد مقدم‏ در دفتر بسیار ارزشمند جستار درباره‏ی مهر و ناهید چنین می‏نویسد:

مهر سوشیانس

در سال پنجاو و یکم شاهنشاهی اشکانی،نیمه شب میان شنبه بیست و چهارم و یک‏شنبه بیست و پنجم دسامبر 272 پیش از میلاد،مهر سوشیانس‏ از مادرش ناهید در میان یک تیره سکائی ایرانی در شرق ایران زاییده شد.از سده‏ی سوم و چهارم پس از میلاد که دین عیسوی در غرب آسیا و شمال‏ آفریقا و در اروپا رواج شد و دین«نو-زرتشتی»را ساسانیان در ایران نشناختند، آن‏که دین عیسوی در همه چیز مینوی و مادی از دین مهر پیروی می‏کرد و دین زرتشتی ساسانی زیر نفوذ دین مهری اشکانی بود،امپراطوران روم پس‏ از قسطنطین و کلیسا در غرب و شاهنشاهان ساسانی و موبدان زردشتی در ایران دست به یکی کردند و همت بر آن گماشتند که نام مهر و دین او، یادمان‏های او از روزگار ناپدید شود.و آن‏چه را که نمی‏شد از میان برداشت‏ به نام دیگری وانمود کنند.بدین‏سان همان گونه که روان‏شاد استاد دکتر محمد مقدم فرمودند:آیین مهر برخاسته از اندیشه‏ها و آموزش‏های مهر تاریخی‏ست و همین آیین است که آیین روزگار اشکانیان شده.

مهرابه-خورابه-خرابات

مهرابه پرستشگاه مهریان بوده است.مهرابه در کنار رودخانه ساخته‏ می‏شده و مهریان پیش از رفتن به مهرابه در رودخانه شست‏وشو می‏کرده‏اند و سپس به مهرابه می‏رفته‏اند،آن‏چنان که حافظ درباره‏ی رفتن به خرابات‏ گوید:

شست‏وشویی کن و آن‏گه به خرابات خرام‏ تا نگردد ز تو این دیر خراب آلوده

با بررسی واژه‏ی خرابات در سروده‏های حافظ و بررسی آیین مهر و مهرابه در این آیین می‏توان گفت خرابات وارونه‏ی آن‏چه در برخی از گزارش‏های حافظ آمده است که:«جمع خرابه برون شهر که جای فسق و فجور بوده است».در بن«خورابه»،«مهرابه»مهریان بوده است و باید خراب، خورآباد خوانده شود و چه همانندی هست میان مهرابه مهریان و آن‏چه حافظ درباره‏ی خرابات سروده است.

رازی بزرگ-جشن شب یلدا-جشن زایش مهر در جستار مهر و مهرابه که گوشه‏یی از آن آورده شده به جستار دیگری درباره‏ی آیین مهر می‏رسیم و آن جشن شب یلداست.به راستی جشن شب یلدا چه‏گونه‏ جشنی‏ست و این همه تب‏وتاب ما ایرانیان برای برپا داشتن این جشن از چیست؟آیا همان گونه که گفته و نوشته می‏شود جشن شب یلدا جشن زایش‏ خورشید است؟زایش خورشید چه‏گونه بوده و خورشید در چه زمانی زاده شده‏ است؟

وارونه‏ی آن‏چه نوشته می‏شود.جشن شب یلدا،جشن زایش خورشید نیست و جشن زایش مهر تاریخی‏ست،مهر بنیادگذار آیین مهر که در همین‏ شب یلدا در سال 272 پیش از میلاد زاده شده است.ما ایرانیان از دیرباز به‏ هر گونه که بوده یادمان‏های گذشته و فرهنگ دیرین خود را نگاه داشته و گرامی داشته‏ایم و امروز هم‏گرامی می‏داریم و یکی از آن‏ها همین زایش‏ مهر و جشنی‏ست که برای آن برپا می‏داریم.در جشن شب یلدا،جشن زایش‏ مهر تاریخی نخستین چیزی که مردم می‏خرند و در جشن می‏نهند هندوانه‏ و انار است و چرا هندوانه و انار؟برای رنگ ارغوانی آن‏ها،رنگ ارغوانی سپیده‏ دم،رنگ برآسیدن(طلوع)خورشید،یادمان‏های بسیار دور،روزگار مهر و میترای پیش از زرتشت،ایزد مهر که نزد ایرانیان آن زمان‏گرامی بود و هم‏چنین نزد مهریان پیروان آیین مهر در روزگار اشکانی و تا مردم امروز ایران‏ در شب یلدا،یادآور می‏شود که پسران مهری بالاپوش ارغوانی می‏پوشیده‏اند و با آن‏چه درباره‏ی«مهر و مسیحیت»خواهد آمد،بالاپوش پاپ هم به رنگ‏ ارغوانی‏ست که همان رنگ ارغوانی مهریان است و یادآوری دیگر این‏که‏ گسترش آیین مهر در روم باستان و در بیش‏تر کشورهای اروپایی دیرین و دیگر کشورهای دین‏مهری روزگار اشکانیان است،نه مهرپرستی ایرانیان پیش‏ از زرتشت.

راز بزرگ دیگر-مهر و مسیحا

یکی از رازهای بزرگ دیگر در فرهنگ ایران و جهان همبستگی میان‏ آیین مهر و مسیحیت است.سرآغاز انجیل را بخوانیم:

«...عیسی در ایام زمامداری هیبرودیس پادشاه در بیت اللحم یهودیه‏ تولد یافت.پس از او مجوسانی از مشرق زمین به اورشلیم آمده پرسیدند:

«پادشاه نوزاد یهودیان کجاست؟ما طلوع ستاره‏ی او را دیده و برای پرستش‏ او آمده‏ایم...»

واژه‏ی«مجوس»در سرآغاز انجیل همان«مغ»اوستایی یعنی«مگ» است.نوشته‏ی انجیل در سرآغاز حبش دنبال می‏شود:«آن‏گاه هرودیس از مجوسان خواست به‏طور محرمانه با او ملاقات کنند و به این ترتیب از وقت‏ دقیق ستاره آگاه شد.آنان بنا به فرمان پادشاه حرکت کردند و ستاره‏یی که‏ طلوعش را دیده بودند پیشاپیش آنان می‏رفت تا در بالای مکانی که کودک‏ در آن بود،توقف کردند و وقتی ستاره‏ی او را دیدند،بی‏نهایت خوشحال‏ شدند.پس به آن خانه وارد شدند و کودک را با مادرش مریم و به روی‏ در افتاده او را پرستش کردند».

چنین است سرآغاز انجیل و آمدن مغ‏ها و همانندی بسیار آموزش‏های‏ انجیل با آموزش‏های مهری که برای روشن شدن مهر و مسیح نوشته‏ی‏ استاد دکتر محمد مقدم آورده می‏شود:اینک از مسعودی،مروج الذهب و معادن الجوهر،(ترجمه‏ی ابو القاسم پاینده،تهران،1344،جلد اول،صفحه‏ی 229) «...اول پادشاه از ملوک الطوایف اشک پسر اردوان اشکان...پس از اشک‏ شاپور پسر اشک بود به شصت سال پادشاهی کرد و در سال چهل و یکم‏ حکومت او حضرت مسیح علیه السلام در ایلیای فلسطین ظهور کرد...» (صفحه‏ی 550)

«...تشرین دوم سی روز است و کانون اول سی روز است و در نوزدهم‏ این ماه روز،نه ساعت و نیم که حداکثر کوتاهی روز است و شب چهارده‏ ساعت و ربع می‏شد که حداکثر درازی شب است.شب بیست و پنجم این‏ ماه میلاد مسیح علیه السلام است...».

مسیح

با در نظر گرفتن این که زایش مسیح نخستین را 65 سال پس از ملک‏ اسکندر و در زمان شاپور اشکانی و زایش مسیح دوم را در سده‏ی چهارم پس‏ از اسکندر و در زمان اوگوسنتوس امپراطور روم داده‏اند جای شک نمی‏ماند که این دو مسیح را از یک‏دیگر بازمی‏شناختند و مسعودی در التنبیه و الاشراف صفحه‏ی 114 و 115)آگاهانه مسیح نخستین را مسیح علیه السلام‏ (السید المسیح)و دومی را یشوها ناصری خوانده است».

با آن‏چه که آورده شده به راز جشن شب یلدا می‏رسیم که جشن شب یلدا جشن زایش مهر است که پس از آن جشن زایش مسیح می‏رسید.درباره‏ی‏ پایه‏های آیین مهر و همبستگی مهر و مسیحا نوشتارهای دیگر خواهیم‏ داشت.نوشتار را با سروده‏یی از حافظ درباره‏ی خرابات،خورآباد،خورابه پایان‏ می‏دهد:

خیز تا خرقه‏ی صوفی به خرابات بریم‏ شطح و طامات به بازار خرابات بریم‏ سوی رندان قلندر به ره‏آورد سفر دلق بسطامی‏4و سجاده طامات بریم‏ تا همه خلوتیان جام صبوحی گیرند چنگ صبحی به در پیر مناجات بریم‏ با تو آن عهد که در وادی ایمن بستیم‏ هم‏چو موسی ارنی‏گوی به میقات بریم‏ خاک کوی تو به صحرای قیامت فردا همه بر فرق سر از بهر مباهات بریم‏ ور نهد در ره ما خار ملامت زاهد از گلستانش به زندان مکافات بریم‏ شرممان باد ز پشمینه‏ی آلوده‏ی خویش‏ گر بدین فضل و هنر نام کرامات بریم‏ قدر وقت ار نشناسد دل و کاری نکند بس خجالت که از این حاصل اوقات بریم‏ فتنه می‏بارد از این سقف مقرنس برخیز تا به میخانه پناه از همه آفات بریم‏ در بیابان فنا گم‏شدن آخر تا کی‏ ره بپرسیم مگر پی به مهمات بریم‏ حافظ آب رخ خود بر در هر سفله مریز حاجت آن به که بر قاضی حاجات بریم

با آن‏چه گفته شد واژه‏ی«خرابات»به معنی«خرابه‏های برون شهر و جای فسق و فجور»نادرست و آن‏چه حافظ در سروده‏های خود آورده، «خرابات»،«خورابه»و«مهرابه»است،مهرابه،یادمان آیین مهر در روزگار بسیار دور در ایران.

پی‏نوشت‏ها

(1)-شطح:واژه‏یی که بوی خودپسندی می‏دهد.

(2)-طامات:لاف و گزاف صوفیانه

(3)-مهر با واژه‏ی«اوبه»به معنی گنبد می‏شود«گنبد مهر»اوبه در واژه‏های گرمابه-سرداب.

(4)-خرقه‏ وابسته به بایزید بسطامی.